



تاریخ تعلیم و تربیت در اصفهان در دوره صفویه

پدیدآورده (ها) : غفرانی، علی؛ جمیل زاده، دلغا
تاریخ :: تاریخ پژوهی :: زمستان 1393 - شماره 61
از 85 تا 96

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1227252>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



فصلنامه تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۳

دکتر علی غفرانی (استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه فردوسی مشهد)

ذلفا جمیل زاده (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)

تاریخ تعلیم و تربیت در اصفهان در دوره صفویه

چکیده

اصفهان در عهد اسلامی چندین دوره ممتاز و درخشان در زمینه‌های علمی و آموزشی را پشت سر گذرانده است. این شهر پیش از آن‌که پایتخت صفویه شود، مرکز حکومت آل بویه و سلجوقیان بود و سالیانی چند در پرتو وجود وزیران دانشمند و ادب پروری چون صاحب‌بن‌عباد (م ۳۸۵ هـ. ق) و ابوعلی سینا (م ۴۲۸ هـ. ق) مجمع فضلا و ادبا و دانشمندان بزرگ اسلامی گردید. حضور این دانشمندان، شهر اصفهان را از مراکز مهم تبادل افکار و عقاید فرق گوناگون اسلامی و پایگاه عظیم علوم و معارف و تعلیم و تربیت اسلامی کرد؛ به طوری که دانش‌پژوهان از اقصی نقاط ممالک اسلامی به این شهر روی آورده، از محضر فقها و محدثان و علمای برجسته اصفهان کسب دانش و معرفت می کردند (انصاری در کتاب خود، طبقات المحدثین باصفهان، نام بسیاری از علمای اصفهان را ذکر کرده است). با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت در دوران صفویه، این شهر مجدداً مرکز تعلیم و تربیت ایران گردید و مورد توجه جویندگان علم و معرفت خصوصاً طالبان علوم دینی واقع شد و استادانی در تمام علوم و فنون از دانش‌های دینی گرفته تا علوم عقلی و صنایع ظریفه و آثار ادبی و خط و نقاشی را به خود جذب کرد. این دوره از دوره‌های عالی و درخشان تعلیم و تربیت بوده و بر حمایت‌های بی‌دریغ شاهان اصفهان استوار شد که آثار آن سرتاسر ایران را فراگرفت و اثرش به ممالک دور نیز رسید.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، صفویه، تعلیم و تربیت، مدارس.

اصفهان در دوره صفویه

دوران عظمت شهر قدیم الاحداث اصفهان، از سال ۱۰۰۶ هـ/ ۸-۱۵۹۷ م آغاز می‌شود یعنی زمانی که شاه عباس پایتخت امپراتوری صفویه را از قزوین به آنجا منتقل کرد. این شهر از

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۲

نظر جغرافیایی در مرکز قلمرو صفویه قرار داشت، که در آن زمان از گرجستان تا افغانستان کشیده شده بود. شاه عباس اول پس از ورود به اصفهان بلافاصله اجرای عملیات علیه ازبکان در مرز شمال شرق را تدارک دید و در عین حال اطمینان یافت که آن قسمت از مرز سرانجام امن خواهد شد.^۱ به علاوه موقعیت مرکزی اصفهان وی را قادر ساخت، بر امور خلیج فارس کنترل بیشتری اعمال کند که با توجه به افزایش بسیار زیاد بازرگانی و فعالیت‌های دیپلماتیک در آن ناحیه طی سال‌های سلطنت وی، مسأله مهمی محسوب می‌شد.^۲ در سایه ایجاد حکومت متمرکز صفویه پیشرفت و افزایش در تولیدات زراعی، صنعتی، رشد شهرنشینی و توسعه در روابط تجاری داخلی و خارجی بوجود آمد^۳ با رونق اقتصادی، درآمد و وضعیت مردم تحت الشعاع قرار گرفت و با رشد مذهب شیعه جعفری و محترم داشتن رفتارهای خیر، از جمله سنت وقف در بین مردم، موقوفات خصوصاً در زمینه مدرسه سازی رو به افزایش گذاشت و همین امر باعث شد که گروه‌های بسیاری از جمله شاهان، وزیران، بزرگان حکومتی، علمای دینی و... گوی سبقت را از یکدیگر ربوده و در این زمینه رقابت شدیدی ایجاد شود و بدین ترتیب مدارس و مساجد و مکاتب بسیاری در اقصی نقاط شهر بنا گردد.

تعلیم و تربیت در اصفهان در دوره صفویه

از آنجا که در دوره صفویه مذهب اساس وحدت ملی بود، عوامل دیگر را تحت الشعاع قرار داد. امری که بیش از همه تحت تأثیر این سیاست واقع شد، تعلیم و تربیت بود. در تمام مراحل، مکتب، مسجد، مدرسه، مجالس وعظ و روضه‌خوانی و تعزیه، سیاست مذکور را عملی ساخت.^۴ در این دوره بازار علم و دانش در اصفهان رواج و رونق یافت. علما و دانشمندان از

۱- سیوری، راجر. ۱۳۷۴. *ایران عهد صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ شانزدهم. تهران: نشر مرکز، ص ۱۵۲.

۲- سیوری، راجر. همان، ص ۱۵۲.

۳- سلطانزاده، حسین. ۱۳۶۴. *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*. تهران: انتشارات آگاه، ص ۲۵۵.

۴- ایمانیه، مجتبی. بی تا. *تاریخ فرهنگ اصفهان مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ص ۸۶.

هر ناحیه به اصفهان روی آورده و اهالی شهر هم به تعلیم و تعلم گرائیدند. تحصیل علوم و معارف عقلی و نقلی شایع گردید و در نتیجه قرن یازدهم هجری یعنی دوره شیخ بهایی، میر داماد، ملاصدرا، میر فندرسکی، شیخ علینقی کمره‌ای و امثال آن نوابغ را به وجود آورد که از دوره‌های برجسته نهضت علمی ایران محسوب می‌شود.^۱ در این دوره سازمان فرهنگ توسعه یافت، برشمار مدارس علوم دینی افزوده شد و مساجد و مدارس بسیار با موقوفات زیاد تأسیس گشت، شمار طلاب علوم دینی چند برابر شد. علم تقریباً منحصر به فقه و اصول و دیگر علوم دینی شد و عنوان عالم فقط به فقها اطلاق گردید.^۲ توجه سیاستمداران به مذهب، به روحانی‌نمایی که به دنبال جاه و مقام بودند قدرت بسیار داد. در نتیجه این قدرت، نظر طلاب نسبت به آموزش به کلی تغییر یافت، به گونه‌ای که اغلب برای رسیدن به درجه اجتهاد و بالاخره یافتن قدرت و مقام، وارد مدارس علمیه می‌شدند.^۳

مراکز تعلیم و تربیت در اصفهان در دوره صفویه

در عهد سلاطین صفوی که دوره ایجاد حکومت ثابت مرکزی در ایران و عهد آبادانی و ترویج تشیع و تشویق علمای این مذهب به تعلیم و تألیف بود، مدارس متعددی در شهرهای مختلف ایران بناشد که مهمتر از همه آن‌ها مدارس اصفهان است.^۴ شاردن سیاح فرانسوی که در زمان صفویه سال‌ها در اصفهان اقامت داشت، در سفرنامه خود در مورد مدارس اصفهان سخن گفته و از این مدارس به نام دانشکده نام می‌برد و می‌نویسد: «در اصفهان پنجاه وهفت باب مدرسه (دانشکده) وجود دارد، که اکثرش در آثار و ابنیه خیریه سلطنتی و یا متعلق به شاهنشاه می‌باشد، و در این مدارس به خصوص، انتخاب مدیر و معلم با پادشاه است.^۵ در این مدارس عده کثیری از طلاب با استفاده از موقوفات

۱- صدیق، عیسی. ۱۳۳۶. *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۶۴.

۲- ضمیری، محمدعلی. ۱۳۷۱. *زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام*. شیراز: انتشارات راه گشا، ص ۶۸.

۳- درانی، کمال. ۱۳۸۰. *تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام*. تهران: انتشارات سمت، ص ۱۵۲.

۴- صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳. *آموزش و دانش در ایران*. بی جا: انتشارات نوین، ص ۲۱.

۵- شاردن، ژان. ۱۳۴۵. *سیاحتنامه*. ترجمه محمد عباسی. تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۴۶.

مدرسه و با مخارج اندک حضور داشتند. به هر شاگرد یک حجره خالی می دادند و او خود با فرشی مدرس یا تشک آن را مفروش می ساخت. طلاب، معلم خصوصی نداشتند و بنا به میل خود هر جا می توانستند، درس می خواندند، یا نزد بزرگترین طلاب همان مدرسه یا در خارج از مدرسه. معمولاً تدریس و تعلیم از آنجا که بسیار مورد احترام و افتخار بود، برای مدرسان کسب شهرت می کرد. بسیاری برای کسب چنین شهرتی، از راه های مختلف شماری از طلاب را جذب می کردند.^۱ اداره مدارس و پرداخت مستمری علما و طلاب و رسیدگی به اوقاف به عهده شخصی به نام ملاباشی بود که از میان علمای مشهور برگزیده می شد. در تذکره الملوک در باب وظایف و اختیارات ملاباشی چنین آمده است: «ملاباشیگری منصب معینی نبود، بلکه افضل فضایی هر عصری در معنی ملاباشی در مجلس پادشاه نزدیک به مسند، مکان معینی داشته، احدی از فضلا و سادات نزدیکتر از ایشان در خدمت پادشاهان نمی نشستند و ایشان به غیر از استدعاء و وظیفه به جهت طالبان علم و مستحقان و دفع تعدی از مظلومین و شفاعت مقصرین و تحقیق مسایل شرعیه و تعلیم ادعیه و امور مشروعه، به هیچ وجه بکار دیگری دخل نمی کردند. در اواخر حکومت شاه سلطان حسین، مرد فاضلی به نام میرباقر، با آنکه در فضیلت از آقا جمال هم عصر خود کمتر بود، به رتبه ملاباشی گری سرفراز و به تقریب مصاحبت مدرسه چهارباغ را بنا گذاشته خود مدرس مدرسه مذکور گردید و وجوهات حلال را داد و ستد می نمود و وجوه بر و صدقات را پادشاه نزد او می فرستاد، که به مستحقین رساند.^۲ در صورتی که مدرسه از موقوفات شخص شاه بود، با توافق مقام صدر، پادشاه، مدرس و استاد را تعیین می کرد. حقوق مدرس مکفی بود و سالیانه پرداخت می شد. ساختمان مدرسه معمولاً در فضای چهارگوش بود و سقف آن را با آجرهای بزرگ بدقت فرش می کردند. در خروجی ساختمان در سمتی که به طرف خیابان قرار داشت تعبیه می شد و هر جبهه عمارت در وسط دارای ایوانی بود که مخصوصاً ارتفاع آن به سقف می رسید. اتاق های مخصوص سکونت مدرس در دو طرف در ورودی

۱- نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی. ۱۳۸۱. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۸۸.

۲- سلطانزاده، حسین. همان، ص ۲

ساخته می‌شد و وسایل راحتی و آسایش در آن فراهم بود. مدرسه‌ها معمولاً دارای کتابخانه عمومی یا مجموعه‌ای از ابزار نجومی هم بودند.^۱

مهمترین مدارس در اصفهان در دوره صفویه

همان‌طور که ذکر شد در اصفهان دوره صفویه مدارس بسیاری ساخته شدند که توصیف و معرفی تک‌تک آن‌ها از حوصله این مقاله مختصر خارج است و ما در اینجا به معرفی چند مدرسه مهم بسنده می‌کنیم:

(۱) مدرسه ملاعبدالله

این مدرسه که در اول بازار شاهی و در نزدیکی حمام و چهار سوق شاه واقع گردیده، از ساخته‌های شاه عباس اول صفوی است، که برای ملا عبدالله شوشتری ساخت و از او برای تدریس در آنجا، دعوت به عمل آورد و از اینرو به نام مدرسه ملاعبدالله معروف شده است. ملا عبدالله از بزرگان علمای زمان شاه عباس اول به شمار می‌رفت، که در نجف اشرف مقیم بود و سپس به دعوت شاه عباس به ایران آمد.^۲ تاریخ قطعی بنای مدرسه روشن نیست، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب خود آثار ملی اصفهان چند تاریخ را ذکر کرد، که تاریخ تقریبی (۱۰۰۷ هـ. ق) را دقیق‌تر می‌داند.^۳ این مدرسه در زمان حیات ملاعبدالله دائر بوده و در حدود هزار طلبه برای درس و اقامت به آن مدرسه مراجعه می‌کردند. کتیبه‌های موجود بر سر در مدرسه، نشان می‌دهند که این بنا چندین بار در زمان قاجاریه تعمیر شده است.^۴

(۲) مدرسه عباسی (ناصری)

مدرسه عباسی که در سمت جنوب شرقی مسجد شاه (امام) اصفهان قرار دارد، از بناهای اواخر دوره شاه عباس اول و یا زمان شاه صفی است.^۵ در ضلع شرقی مدرسه چند اتاق برای

۱- نوایی، عبدالحسین. همان، ص ۳۸۹.

۲- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲. آثار ملی اصفهان. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۴۹۲.

۳- همان، ص ۴۹۲.

۴- ایمانی، مجتبی. همان، ص ۱۰۰.

۵- سلطان‌زاده، حسین. همان، ص ۲۶۷.

سکونت طلاب ساخته شده است. این مدرسه و مدرسه سلیمانیه قرینه یکدیگرند. باین تفاوت که مدرسه سلیمانیه به جای حجره‌هایی برای سکونت طلبه‌ها، غرفه‌هایی دارد که خارج و داخل آن‌ها با کاشی‌های خشت هفت رنگ تزیین شده است.^۱ این مدرسه به علت این‌که در دوره ناصرالدین شاه قاجار تعمیر شده بود، به مدرسه ناصری هم شهرت یافته است.^۲

۳) مدرسه سلیمانیه

این مدرسه که قرینه مدرسه ناصری و در ضلع جنوب غربی مسجد شاه (امام) است؛ به‌وسیله چند ورودی با صحن مسجد و محوطه زیرگنبد غربی ارتباط دارد. در این مسجد، سنگ شاخص (جهت تعیین قبله) که گویا محاسبه و نصب آن به‌وسیله شیخ بهایی، عالم معروف زمان شاه عباس اول، صورت پذیرفته است، در پایین یکی از جرزهای ضلع شمالی صحن مدرسه قرار دارد. کتیبه سردر مدرسه دارای تاریخ ۱۰۷۸ هجری یعنی اوایل سلطنت شاه سلیمان می‌باشد، به همین سبب، این مدرسه موسوم به سلیمانیه شده است.^۳

۴) مدرسه سلطانی چهار باغ

این مدرسه، در سال ۱۱۱۶ق توسط شاه سلطان حسین که به سلطانی و مادر شاه هم معروف است، در خیابان چهار باغ ساخته شد. ساختمان مدرسه تا سال ۱۱۲۲ق به طول انجامید.^۴ در آن سال طی مراسمی با شکوه با حضور سلطان گشوده شد. در هنگام افتتاح مدرسه از علمای مشهور آن عهد و طلاب مدرسه و برخی از بزرگان و اشراف برای شرکت در مراسم و نخستین جلسه درس به مناسبت گشایش مدرسه دعوت به عمل آمده بود. این مدرسه دو طبقه است، حجره‌های طلبه‌نشین در هر دو طبقه بالا و پایین آن قرار دارد و طرف چهار باغ هم حجره‌هایی در طبقه بالا دارد که محل

۱- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. همان، ص ۵۰۲.

۲- هنرفر، لطف الله. ۱۳۶۴. اصفهان. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا، ص ۴۵۴.

۳- سلطان‌زاده، حسین. همان، ص ۲۶۷.

۴- ایمانی، مجتبی. ص ۱۳۳.

۵- سلطان‌زاده، حسین. همان، ص ۲۸۶.

اقامت طلبه و اهل تحصیل علم بوده است.^۱ درخت‌های چنار کهنسال و نهرآبی که در آن جریان دارد، بر زیبایی و تزئینات نفیس کاشیکاری آن افزوده، و بنای مزبور را بسیار فرحبخش و روحنواز نموده است. شاه صفوی پس از بنای مدرسه، کتابخانه‌ای نیز برای آن بنا کرد و خود شماری کتاب وقف آن مدرسه نمود. از آنجا که بنای این مدرسه در اواخر عصر صفوی بود، نباید در آن دوره، کتابخانه توسعه فراوانی یافته باشد. با این حال شاه جهت کتابخانه وقف نامه‌ای تنظیم کرد که قواعد استفاده از کتاب‌ها در آن آمده است. در این وقفنامه بلند، ضمن اشاره به هزینه‌های مدرسه چهارباغ، از حقوق کتابدار نیز یاد شده است.^۲

۵) مدرسه صدر (بازار)

این مدرسه مشهورترین بنای تاریخی از دوره حکومت حاج محمدحسین خان صدر در اصفهان است. حاج محمدحسین خان صدر معروف به امین الدوله (م ۱۲۳۹ق) در ابتدای تاجگذاری آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ق) به حکومت اصفهان منصوب شد و در دوره فتحعلی شاه حکومت اصفهان، قم و کاشان را همراه با مقام بیگلربیگی اصفهان برعهده داشت. او پس از فوت میرزا شفیق مازندرانی (۱۲۳۴ق)، صدر اعظم فتحعلی شاه شد و تا هنگام وفات، منصب صدارت را در اختیار داشت. وی به تقلید از سلاطین صفوی اقدام به احداث بناهای متعددی در اصفهان از جمله این مدرسه کرد که پس از پایان عمر صفویه تا به امروز از مدارس باشکوه و دایر اصفهان و مهمترین مدرسه قدیمی به‌شمار می‌رود.^۳ در این مدرسه علمای مشهوری به تدریس اشتغال داشته‌اند. گفته‌اند که برای اشغال حجره‌های مدرسه بین طلاب علوم دینی رقابت و کشمکش ایجاد می‌شده است. این مدرسه یک طبقه و همچون سایر مدارس بزرگ شامل کتابخانه، مدرس و مسجد می‌باشد.^۴

۱- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. ۱۳۴۰. *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*. تصحیح و تحشیه

منوچهر ستوده. تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۶۹.

۲- جعفریان، رسول. ۱۳۸۸. *سیاست و فرهنگ روزگار صفوی*. تهران: نشر علم، ص ۷۴۴.

۳- ایمانی، مجتبی. همان، صص ۹-۱۳۸.

۴- سلطان‌زاده، حسین. همان، صص ۲۹۵-۳۰۱.

اهداف تعلیم و تربیت در اصفهان در دوره صفویه

دوره صفویه با ترویج ارزش‌های دینی از سوی شاهان همراه بود، اما آنان دخالتی در امر تعلیم و تربیت به صورت مستقیم و متمرکز نداشتند. اگرچه شاهان و درباریان خود مدارس را ساخته و وقف می‌نمودند، اما بعد از وقف هیچگونه دخالتی در اداره یا نحوه آموزش آن نداشتند و این مهم را به علمای آن زمان می‌سپردند. دکتر عیسی صدیق در کتاب خود تاریخ فرهنگ ایران در این باره می‌نویسد: «منظور از تعلیم و تربیت که در قسمت دینی تا آن زمان عبارت بود از مسلمان بار آوردن، اینک به‌طور صریح و روشن عبارت شد از معتقد کردن کودکان و جوانان و سالمندان به مذهب جعفری. برای رسیدن به این هدف از هیچ اقدامی فروگذاری نشد. پادشاهان صفوی که سرمشق اتباع و رعایای خود بودند، خویش را «خادم مذهب اثنا عشری» و «کلب آستان علی» و مجتهدین بزرگ را نایب امام عصر (عج) خواندند، هر کس تشیع را قبول نمی‌کرد، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت. مدارس حنفی و شافعی و حنبلی را بستند و بناهای آن‌ها را ویران کردند»^۱. در ضمن، اهداف آموزشی دیگری چون فضایل اخلاقی، اصول معیشتی و... نیز در این دوره مطرح بوده است. اما هدف اصلی یعنی تربیت اسلامی، اهداف دیگر را تحت الشعاع خود قرار داد.^۲

شیوه تدریس در مدارس اصفهان در دوره صفویه

معمولاً معلم با عنوان ملا شناخته می‌شد. جانشین ملا در امر آموزش را خلیفه می‌گفتند. ملا در وسط دایره‌ای از شاگردان که در کنار دیوار نشسته بودند، می‌نشست. آن‌ها در ابتدای آموزش که الفبا را فرا گرفته بودند، به تلاوت قرآن مجید می‌پرداختند. پس از فراگیری قرآن، به خواندن بوستان و گلستان سعدی و دیوان حافظ مشغول می‌شدند. روش تدریس چنین بود، که شاگردان چند سطر از کتاب خود را می‌خواندند و معلم آن را توضیح می‌داد. مدرس یا

۱- صدیق، عیسی. همان، ص ۲۶۴.

۲- الماسی، محمد علی. ۱۳۷۱. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. تهران: نشر دانش روز، ص ۳۹۶.

استاد می‌بایست همه نوع علوم مورد نیاز در آن روزگار را به شاگرد آموزش بدهد.^۱ خانواده‌های ثروتمند که دوست داشتند فرزندانشان در سایه خانواده تربیت شوند، فرزندان خود را به مکتب نمی‌فرستادند، بلکه معلم خصوصی (سرخانه) برای وی استخدام می‌کردند، تا فرزندان پیش از ۱۸ سالگی از خانه خارج نشوند، مگر برای شکار و تیراندازی یا چوگان‌بازی. به همین سبب، این اطفال معمولاً پس از بلوغ، افرادی عاقل، با تربیت و درستکار بار می‌آمدند. محمدعلی ضمیری در این باره می‌نویسد: «روش تعلیم و تربیت بسیار سختگیرانه و مشقت بار بود؛ کودکان از آنچه که مورد نیاز کودکی نظیر بازی و توجه به استعدادشان بود، محروم بودند و از کودکی ناچار به حفظ کردن مفاهیم مشکل که در حد توانشان نبود می‌شدند. آن‌ها از ۱۲ سالگی غربت و هجرت و رنج دوری از خانواده و کم‌غذایی را تحمل می‌کردند و تحمل سختی‌ها را نوعی افتخار و امتیاز می‌دانستند».^۲

درس‌هایی که در مدارس اصفهان در دوره صفویه آموزش داده می‌شد

درس‌های دینی اساس تحصیل در دوره صفوی بود، این درس‌ها به‌طور عمده شامل دو بخش علوم معقول و علوم منقول می‌شد. مقصود از علوم معقول یا معقولات، علوم فلسفی و کلامی بود. دروسی که در این بخش آموزش داده می‌شد، آثاری مانند تجرید و مطامع و حواشی و شرح‌های متعددی بود که بر آن‌ها نوشته شده بود. متخصصان این علوم، عنوان حکیم داشتند. این مشروط به آن بود که به حد بالایی از تخصص برسند. البته حکیم می‌توانست لقب کسی باشد که در غالب علوم زمانه تبحر دارد، اما به هر روی اصل و اساس، همین علوم حکمی و فلسفی بود. بخش دوم شامل کتاب‌های حدیثی و فقهی بود که در قرن دهم توجه چندانی بدان نمی‌شد و تقریباً منحصر به دانشمندان عرب شیعه و برخی از شاگردان ایرانی آنان بود. اما به تدریج در قرن یازدهم اقبال بیشتری به آنها نشان داده شد.^۳

۱- نوایی، عبدالحسین. همان، ص ۳۸۹.

۲- ضمیری، محمدعلی. همان، صص ۶۸-۶۹.

۳- جعفریان، رسول. همان، ص ۱۱۵۱.

علاوه بر آن، مدرسان در منطق، حکمت الهی، طبیعیات و شعب ریاضیات مقامات عالی داشتند. آنان آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ارسطو، هیأت بطلمیوسی، تألیفات اقلیدس و جزوه‌هایی از ارشمیدس را تعلیم و تعلم می‌کردند.^۱ در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری علوم معقول و فنون اجتهادی پس از دوره صفویه و علمای مشهور و بزرگ آن زمان نظیر آقا حسین خوانساری و ملا محمد تقی مجلسی و علامه محمدباقر مجلسی و دیگران مورد توجه قرار گرفت و اصول فقه به پایه‌ای رسید، که در هیچ دوره‌ای نظیر آن دیده نشده بود. از علمای بزرگ در فن اجتهادی این دوره آقاباقر اصفهانی مشهور به آقا باقر بهبهانی و سید محمدباقر شفتی، متوفی ۱۲۶۰ هـ. ق و حاج محمد ابراهیم کلباسی متوفی ۱۲۶۱ هـ. ق در اصفهان ظهور کردند. در این زمان مرجعیت عام شیعه با مرحوم سید محمدباقر شفتی بود، که حجه الاسلام لقب داشت. در زمان این دو عالم، اصفهان مرکزیت علمی و روحانی داشت و طلاب از همه نواحی ایران و هم‌چنین از بعضی ممالک مجاور برای تحصیلات عالی به اصفهان می‌آمدند.^۲ لازم به یادآوری است که کتب مذهبی که تا این عصر همگی به زبان عربی بود، در دوره صفویه به زبان فارسی نیز تألیف گردید و در مقابل نثر مظنن و تکلف‌آمیز و ملالت‌انگیزی که از دوره مغول و تاتار معمول شده بود، عده‌ای از کتب و رسالات در اخلاق و آداب مذهبی و فقه به زبان فارسی ساده و آسان تدوین شد که در میان عامه رایج گردید و در قلب مردم رسوخ کرد و ملاک و مأخذ اعمال و رفتار خلق قرار گرفت.^۳ آموزش در سطح عالی که اختصاص به طلاب علوم دینی داشت، معمولاً در مدارس شبانه روزی ارائه می‌شد. محصلان در این دوره، دروسی مانند ادبیات فارسی، عربی، سیر آثار علما و سلاطین و مختصری نیز ریاضیات می‌خواندند و برخی از اشعار فارسی و عربی را حفظ می‌کردند و پس از ختم این دروس به تحصیل فقه پرداخته، درباره مطالب کتاب تبصره مختصر نافع و شرح کبیر مباحثه می‌کردند. پس از آن، برای

۱- نوایی، عبدالحسین، همان، ص ۳۸۹.

۲- ایمانیه، مجتبی. همان، صص ۹- ۱۴۸.

۳- صدیق، عیسی. همان، ص ۲۶۷.

تخصص یافتن یکی از علوم را انتخاب می‌کردند و پس از سالها صرف وقت به درجه تخصص می‌رسیدند.^۱

وسایل آموزشی در اصفهان در دوره صفویه

کاغذ، قلم نی و جوهر از وسایل مورد استفاده در تعلیم و تربیت در دوره صفویه در اصفهان بود. کاغذ را از کتان و ابریشم درست می‌کردند و موقع نوشتن آن را روی زانو می‌گذاشتند. جوهر را از پوست اثار و کات کبود می‌ساختند. برای به‌دست آوردن جوهر غلیظ که برای نوشتن خطوط درشت استفاده می‌شد، برنج یا جو را بو می‌دادند یا می‌سوزاندند و پس از آسیاب کردن آن را می‌جوشاندند تا لعاب بیندازد، این لعاب را با جوهر مخلوط می‌کردند.^۲

نتیجه

با وحدت سیاسی و دینی که صفویه در ایران به‌وجود آوردند، تعلیم و تربیت در جهت رواج ارزشها، به ویژه مذهب تشیع استوار شد. از آنجا که اصفهان، در عهد صفویه به‌عنوان پایگاه علم و فرهنگ بود، علما و دانشمندان بسیاری را از اقصی نقاط به خود جلب کرده بود. در این عهد علوم دینی و هنرهای ظریف و معماری از پیشرفت و رونق چشم‌گیری برخوردار بود، اما توجه چندانی به علوم عقلی و ادبیات نمی‌شد و از این جهت، از علمای علوم عقلی و شعرای نامی در این عصر، خبر قابل ملاحظه‌ای در دست نیست و معدود کسانی که بودند، تحت فشارهای حاکم، جرأت اظهار وجود و نشر افکار و اندیشه‌های متعالی را نداشتند.

کتابنامه

الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. ۱۳۴۰. *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*. تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: انتشارات امیر کبیر.
الماسی، محمد علی. ۱۳۷۱. *تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران*. تهران: نشر دانش روز.

۱- درانی، کمال. همان، ص ۱۰۳.

۲- نوایی، عبدالحسین. همان، ص ۳۸۹.

انصاری، عبدالله بن محمد بن جعفر. ۱۴۱۲ ق. *طبقات المحدثین باصفهان*. تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی. بیروت: موسسه الرساله.
ایمانیه، مجتبی. بی تا. *تاریخ فرهنگ اصفهان مراکز تعلیم از صدر اسلام تا کنون*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

جعفریان، رسول. ۱۳۸۸. *سیاست و فرهنگ روزگار صفوی*. تهران: نشر علم.
درانی، کمال. ۱۳۸۰. *تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲. *آثار ملی اصفهان*. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
سلطانزاده، حسین. ۱۳۶۴. *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*. تهران: انتشارات آگاه.

سیوری، راجر. ۱۳۷۴. *ایران عهد صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ شانزدهم. تهران: نشر مرکز.

شاردن، ژان. ۱۳۴۵. *سیاحتنامه*. ترجمه محمد عباسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
صدیق، عیسی. ۱۳۳۶. *تاریخ فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
صفا، ذبیح الله. ۱۳۳۳. *آموزش و دانش در ایران*. بی جا: انتشارات نوین.
ضمیری، محمدعلی. ۱۳۷۱. *زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام*. شیراز: انتشارات راه گشا.

نوابی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی. ۱۳۸۱. *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه*. تهران: انتشارات سمت.

هنرفر، لطف الله. ۱۳۶۴. *اصفهان*. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.

هنرفر، لطف الله. ۱۳۴۴. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.